

اثربخشی برنامه آموزشی رفتار مادر با کودکان طلاق و برنامه مداخله ویژه کودک طلاق بر مدیریت هیجان کودکان

The Effectiveness of Training Protocol for Treating with Children of Divorce for Mothers and Children of Divorce Intervention Program on Emotion Management of Divorce Children

Maedeh Bazargan
PhD Candidate in General
Psychology, Department of
Psychology, Najafabad Branch,
Islamic Azad University

Akram Dehghani, PhD
Assistant professor in psychology,
Department of Psychology,
Najafabad Branch, Islamic Azad
University

اکرم دهقانی*
استادیار گروه روان شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مائه بازرگان
دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

Zohreh Raeisi, PhD
Assistant professor in psychology
Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University

زهرة رئیس
استادیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار مادر با کودکان طلاق، ویژه مادر، و برنامه مداخله ویژه کودک طلاق بر مدیریت هیجان کودکان طلاق صورت گرفت. روش پژوهش شبه تجربی با طرح پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری سه ماهه بود. از مادران مطلقه مراجعه کننده به یک کلینیک روان شناسی در شهر تهران در سال ۱۳۹۹، ۴۵ نفر (سه گروه ۱۵ نفری) به صورت نمونه برداری در دسترس برای آموزش والدگری انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل فهرست مدیریت هیجان کودک شیلدز و چیکتی (۱۹۹۸) بود. نتایج تحلیل واریانس آمیخته نشان داد نظم جویی هیجان انطباقی و بی ثباتی/منفی گرایی در مرحله پس آزمون و پیگیری نسبت به پیش آزمون تغییرات معنادار دارد و در متغیر بی ثباتی/منفی گرایی گروه مداخله ویژه کودک در مقایسه با گروه گواه هم نتایج معنادار دیده می شود، ولی برای گروه برنامه مداخله ویژه مادر نتایج معناداری مشاهده نشد. بر اساس یافته ها می توان نتیجه گرفت که برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر مدیریت هیجان کودکان طلاق موثر است.

واژه های کلیدی: برنامه آموزشی رفتار مادر با کودکان طلاق، ویژه مادر، برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق، مدیریت هیجان

Abstract

The aim of this study was to compare the effectiveness of training protocol for treating with children of divorce for mothers and children of divorce intervention program on the emotion management of divorce children. The method of the study was quasi-experimental with pre-test, post-test and three-month follow-up. From divorced mothers referring to a psychological clinic in Tehran for parenting education in 2021, 45 of them were selected by available sampling (Three groups of 15 people). The research instruments included the Emotion Regulation Checklist of Shields & Cicchetti (1998). The results mixed analysis of variance showed that adaptive emotion regulation and instability/negativity in the post-test and follow-up stages showed significant changes compared to the pre-test and in the instability/negativity variable, the child-specific intervention group showed significant results compared to the control group. However, no significant results were observed for the training protocol for treating with children of divorce for mothers. According to the results, it can be concluded that the child-specific intervention program for divorce children is effective on managing the emotions of divorced children.

Keywords: children of divorce intervention program, emotion management, maternal training protocol for treating with children of divorce for mothers

received: 23 June 2021

accepted: 8 December 2021

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

*Contact information: ddehghani55@yahoo.com

باعث می شود می دهد برای حفظ منابع خود به سمت حالت مطلوب هیجانی حرکت کنند (تیس، برتسلواسکی و بامیستر، ۲۰۱۸). در کودکان طلاق استفاده از راهبردهای اجتنابی و سرکوب در مدیریت هیجان به پیامدهای منفی در بهزیستی روان شناختی آنها و تمایل به مدیریت مثبت هیجان و ابرازگری هیجانی به پیامدهای مثبت روان شناختی منجر می شود (باکستر، وستون و کو، ۲۰۱۱). به همین دلیل اخیراً پژوهش‌هایی با توجه به بهبود مدیریت هیجان در کودکان طلاق افزایش پیدا کرده است (شیمکوسکی و لدبتر، ۲۰۱۸؛ مور، ۲۰۱۷)

برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر که غلامی، رشید و یارمحمدی (۲۰۱۹) تهیه و منتشر کرده‌اند، از جمله مداخله‌های بهبود کودکان است، که بر نقش آسیب هیجان بر کودکان طلاق تأکید ویژه دارد. این مداخله بر بنای پژوهش‌ها و مبانی نظری مشکلات کودکان طلاق تهیه شده است. مداخله شامل پنج مؤلفه سازگاری، اضطراب، نیاز عاطفی، خشم و احساس گناه در کودکان طلاق و هدف از آن بالا بردن توانایی مادران است تا با آگاهی از نیازهای عاطفی کودکان عمل کنند و با تأمین این نیازهای احساس گناه، خشم و اضطراب کودک را مدیریت کنند و عواقب ناشی از آنها را به حداقل برسانند. سازندگان پروتکل در پژوهش خود نشان داده‌اند که مداخله طراحی شده، با تغییر رفتار مادران کودکان طلاق، باعث بهبود وضعیت روانی کودکان می شود، اما پژوهش‌های بعدی برای بررسی اثربخشی آن صورت نگرفته و در این زمینه خلأ پژوهشی وجود دارد. با این حال نتایج پژوهش‌های قبل نشان می دهد که اضطراب (تاهیریویک و دمیر، ۲۰۱۷؛ فارس، ۲۰۲۰)، سازگاری (زمپ، جانسون و بودنمن،

طلاق پدیده‌ای برای قطع قانونی رابطه زناشویی، همراه با لغو یا سازماندهی مجدد وظایف و مسئولیت‌های قانونی ازدواج است (اودی و اوبی، ۲۰۲۰). روند طلاق به صورت اپیدمی جهانی رو به افزایش است (ابالوس، ۲۰۱۷؛ مکونن، کاسا و ایلو، ۲۰۱۹). در ایران نیز چنین روندی دیده می شود و افزایش میزان طلاق مهم‌ترین دلیل افزایش کودکان طلاق است (یحیی‌زاده و حامد، ۲۰۱۶). فارغ از دلایل و میزان شیوع طلاق، مراقبت از کودکان با توجه به آسیب‌پذیر بودن در مقابل طلاق دغدغه مهم مسئولان مراقبت از سلامت افراد جامعه است (مکونن و دیگران، ۲۰۱۹). پژوهش‌های گوناگون نشان می دهد که طلاق تجربه هیجانی^۱ آسیب‌زننده در کودکان و همراه با نیاز به مدیریت هیجان‌های ناخوشایند مانند احساس گناه، خشم، اضطراب و ناراحتی است (جانسن، لیتلند و هالستروم، ۲۰۱۸؛ هاشمی و همایونی، ۲۰۱۷). این آسیب‌ها تا حدودی نیاز به بهبود مدیریت هیجان را در کودکان دارای والدین مطلقه نشان می دهد؛ این احساس نیاز در آنها دوچندان است، چرا که به نظر می رسد طلاق والدین خود یک عامل خطر برای کاهش توانایی مدیریت هیجان^۲ در کودکان^۳ است (شیمکوسکی، ۲۰۱۵). مدیریت هیجان به طور کلی شامل تمام تلاش‌ها برای اصلاح هیجان‌های درونی خود و یا ناشی از ارتباط با دیگران است، که ممکن است مثبت و انطباقی یا منفی و غیرانطباقی باشد (اولسون و دیگران، ۲۰۱۹؛ کافمن و دیگران، ۲۰۱۶؛ هالیون، استینمن، تولین و دایفناخ، ۲۰۱۸). مدیریت هیجان بخشی از هوش هیجانی است که به نظم‌جویی خلق و خوی فرد کمک می کند (لیگو، ۲۰۱۷). مدیریت هیجانی جزئی از ظرفیت انعطاف‌پذیری^۴ فرد است، به این معنا که

1- emotional experience
2 - emotion management

3 - children
4 - flexibility capacity emotion management

۲۰۱۸؛ نونس_کاستا، لاملا و فیگویردو، ۲۰۰۹)، نیاز عاطفی (زمانی زارچی، غلامعلی لواسانی، اژه‌ای، حسین زاده‌اسکویی و صمدی کاشان، ۲۰۱۸؛ صدری دمیرچی، منصوره و خدائی‌خیای، ۲۰۱۸)، خشم (موتاتیانو، ۲۰۱۵) و احساس گناه (جانسن و دیگران، ۲۰۱۸؛ سورک، ۲۰۱۹) از پیامدهای مهم طلاق والدین در کودکان است و احتمال دارد وضعیت روانی کودک و ظرفیت‌های رشد او را مختل کند. همچنین پژوهش‌های دیگری نشان می‌دهد که مداخله‌های مبتنی بر آموزش مادر به بهبود بهزیستی و نظم‌جویی هیجان کودکان طلاق منجر می‌شود (شنهولتز، مسر، داویدسون، رندل و هوران، ۲۰۱۷؛ مکیتاش و تان، ۲۰۱۷؛ ولدومن، پانکدر، ون‌ولایت و ریچنولد، ۲۰۱۸).

برنامه‌ی دیگر، که مستقیماً به آموزش کودکان طلاق مربوط می‌شود، برنامه‌ی مداخله‌ی کودکان طلاق است. این مداخله را اولین بار پدور - کارول و کاون (۱۹۸۵) مطرح کردند و برنامه‌ی پیشگیری مداخله‌ای با تمرکز بر عوامل حمایتی مرتبط با تاب‌آوری در کودکان بعد از طلاق است و هدف اولیه‌ی آن ایجاد محیط گروهی حمایتی است که کودکان در آن پیوندهای مشترک ایجاد و مهارت‌هایی کسب کنند که برای مقابله با تغییرات تنیدگی‌زای طلاق لازم است. دو جزء اساسی این برنامه عبارت است از: ۱. کاهش تنیدگی ناشی از طلاق والدین با ایجاد فضای حمایت کننده و این برای اعضای گروه و ۲. آموزش مهارت‌های مورد نیاز به کودکان برای مقابله کارآمد با تغییرات و چالش‌های ناشی از طلاق والدین (پدور-کارول، ۲۰۰۸). به طور کلی مشارکت کودکان در برنامه‌های مداخله نتایج اثربخشی داشته است (پارکر، هرگرناتر، اسملسر و کلی، ۲۰۲۰؛ سنکو، ۲۰۱۶؛ شوشتری، عابدی، خالدیان و کرمی باغظیفونی، ۲۰۱۴). ولدومن و دیگران (۲۰۱۸) در هلند نشان دادند که این مداخله

به صورت معنادار عملکرد کودک و مادر را بهبود می‌بخشد. در پژوهشی دیگر مشخص شد که برنامه‌ی مداخله به کودکان طلاق کمک می‌کند نحوه‌ی ابراز احساس‌ها، حل مشکلات مربوط به طلاق و عضویت در سیستم حمایت از همسالان را یاد بگیرند (سنکو، ۲۰۱۶). در ایران نیز برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد برنامه‌ی مداخله کودکان طلاق به بهبود سازگاری و حل مشکلات رفتاری درونی و بیرونی در کودکان طلاق منجر می‌شود (حسینی یزدی، مشهدی، کیمایی و عاصمی، ۲۰۱۵؛ عبدی، پورابراهیم و نظری، ۲۰۱۳).

با توجه به آنچه گفتیم، به نظر می‌رسد برنامه‌ی آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه‌ی مادر (غلامی و دیگران ۲۰۱۹)، اثربخشی ابتدایی خود را نشان داده، اما اثربخشی آن در پژوهش‌های بعد برای اطمینان از صحت و عاری از و نداشتن سوگیری بودن نتایج، بررسی نشده است. رفع این خلأ از مسائل مورد نظر در این پژوهش بود. همچنین پروتکل غلامی و دیگران (۲۰۱۹) با آموزش والدین سروکار دارد، بنابراین مقایسه‌ی آن با مداخله بر مبنای آموزش کودک برای تعیین اثربخشی بیشتر هر یک از این دو مداخله بر مدیریت هیجان کودکان طلاق مفید است. بنابراین سوال پژوهش به این صورت مطرح شد که آیا بین اثربخشی برنامه‌ی آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه‌ی مادر و برنامه‌ی مداخله‌ی ویژه‌ی کودکان طلاق بر نظم‌جویی هیجان کودکان طلاق تفاوت وجود دارد؟

روش

این پژوهش شبه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری سه‌ماهه و جامعه‌آماری کودکان ۹ تا ۱۲ ساله بود که، والدین آن‌ها طلاق گرفته بودند و کودک تحت حضانت مادر بود. از لحاظ مکانی و زمانی جامعه‌ی آماری مادران مطلقه‌ی مراجعه‌کننده

به یکی از کلینیک‌های شهر تهران برای آموزش والدگری در سال ۱۳۹۹ بود. با در نظر گرفتن حجم نمونه ۱۵ نفر برای هر گروه پژوهش‌های آزمایشی (کوبین، کوبین و کوخ، ۲۰۰۲) از جامعه آماری ۴۵ نفر به صورت نمونه‌برداری در دسترس انتخاب شدند. در گروه مداخله برنامه ویژه کودکان طلاق ۱۵ کودک شرکت و، در برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر، ۱۵ نفر از مادران و در گروه گواه هم ۱۵ مادر شرکت کردند و در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به پرسشنامه تاب‌آوری کودک پاسخ دادند. شرایط ورود به نمونه پژوهش عبارت بود از: سن کودک ۹ تا ۱۲ سال، انجام طلاق قانونی والدین، زندگی کردن کودک با والد مادر، عدم ابتلای کودک و مادر به بیماری مزمن یا معلولیت جسمانی جدی یا اختلال روان‌پزشکی (طبق اظهار نظر مادران)، حداکثر مدت طلاق والدین ۱ سال و عدم ازدواج مجدد آن‌ها. همچنین ملاک‌های خروج عبارت بود از: غیبت در دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب از مداخله، درخواست برای خروج از پژوهش در حین اجرای پژوهش، عدم پاسخگویی به حداقل ۵ درصد از ماده‌های پرسشنامه‌های پژوهش، بروز مواردی چون ازدواج مجدد والدین یا بروز اتفاق ناخوشایندی مانند فوت والدین یا وابستگی درجه یک (خواهر، برادر).

فهرست مدیریت هیجان^۱ (شیلدز و چیکتی، ۱۹۹۸). با این ابزار، توانایی کودک در مدیریت تجارب هیجانی سنجیده می‌شود. این آزمون را شیلدز و چیکتی در سال ۱۹۹۵ طراحی کرده

اند و والدین به آن‌ها پاسخ می‌دهند. آزمون شامل ۲۴ ماده است که به صورت لیکرت چهار گزینه‌ای (به‌ندرت = ۱، گاهی اوقات = ۲، بیشتر اوقات = ۳، تقریباً همیشه = ۴) به آن پاسخ داده می‌شود. آزمون دو عامل دارد: نظم‌جویی هیجان انطباقی^۲ (ماده‌های ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۵، ۱۶ و ۲۱) برای سنجش تناسب موقعیتی نمایش هیجانی^۳، همدلی^۴ و خودآگاهی هیجانی^۵ و بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی^۶ (ماده‌های ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴) برای سنجش بی‌ثباتی خلق، نبود انعطاف‌پذیری^۷ و نمایش عاطفی نامناسب. سازندگان ضمن تأیید همسانی درونی و تأیید روایی سازه مدل دو عاملی این فهرست، اعتبار آزمون به روش آلفای کرونباخ را برای بی‌ثباتی/منفی‌گرایی ۰/۹۶ و برای نظم‌جویی هیجان انطباقی ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند. در ایران این ابزار را شفیع‌تبار، اکبری چرمپینی و مولایی یساولی (۲۰۲۰) روی ۴۷۱ دانش‌آموز هنجاریابی کردند. نتایج بررسی روایی ابزار مدیریت هیجان با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی (نظریه کلاسیک) و مدل‌های چندبعدی (نظریه سؤال پاسخ)، وجود دو عامل بی‌ثباتی/منفی‌گرایی و نظم‌جویی هیجانی را تأیید کرد. اعتبار این فهرست با روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای دو عامل آن، ۰/۷۶ و ۰/۶۹ به دست آمد که مطلوب است. در این پژوهش مقدار آلفای کرونباخ، برای عامل نظم‌جویی، هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۷ به دست آمد. خلاصه برنامه مداخله رفتار مادر با کودک طلاق (غلامی و دیگران، ۲۰۱۹) در جدول ۱ آمده است.

1 - Emotion Regulation Checklist (ERC)

2 - adaptive emotion

3 - showing emotional

4 - empathy

5 - emotional self-awareness

6 - instability / negativity

7 - lack of flexibility

جدول ۱
خلاصه برنامه مداخله رفتار مادر با کودک طلاق

جلسه	محتوا
اول	آشنایی شرکت‌کنندگان و برقراری رابطه، آشنایی با روش کار و ساختار جلسه‌ها، اجرای پیش‌آزمون، تبیین طلاق و آسیب‌های آن بر زوجین و به‌خصوص کودکان، تبیین تأثیر طلاق و آسیب‌های آن بر کودکان ۶ تا ۱۲ سال
دوم	سازگاری را تعریف کند، ابعاد مختلف سازگاری را بیان کند. تبیین عوامل مؤثر بر سازگاری کودک با طلاق، طرح راهکار افزایش سازگاری.
سوم	تعریف حل مسئله را بداند، مراحل حل مسئله را بداند. تمرین مهارت حل مسئله.
چهارم	تعریف اضطراب، عوامل زمینه‌ساز ایجاد اضطراب را بداند، پیامدهای آن را بداند.
پنجم	تعریف ریلکسیشن، راهبرد آرمیدگی عضلانی بیان شود. راهبرد تنفس عمیق را بداند. توانایی انجام آرمیدگی عضلانی و تنفس عمیق را داشته باشد.
ششم	تعریف خشم، آشنایی با علت خشم، پیامدهای منفی خشم و تأثیر خشم را بر کودکان بداند. شناخت موقعیت خشم و افکار منطقی جایگزین.
هفتم	شناخت موقعیت و افکار غیرمنطقی در موقعیت خشم، جایگزین کردن افکار منطقی مناسب، آموزش مهارت صحبت کردن و گفت‌وگوی مؤثر.
هشتم	تعریف احساس گناه، تبیین دلایل ایجاد احساس گناه، بیان نشانه‌های احساس گناه در کودک چیست. آموزش سبک والدگری.
نهم	تعریف شیوه‌های والدگری، طرح راهکار کاهش احساس گناه در کودک.
دهم	نقش خانواده در برآوردن نیاز عاطفی، تعریف نیاز عاطفی، تبیین آثار عاطفی طلاق بر کودک، تبیین نیاز عاطفی کودک طلاق.
یازدهم	بیان نیاز عاطفی کودک، آموزش نیازهای عاطفی به مادران.
دوازدهم	مرور مختصر جلسه‌های گذشته، بتواند مسئله را با استفاده از مهارت‌های فراگرفته تحلیل کند.

این مداخله در ۱۲ جلسه و هر جلسه به مدت ۴۵ دقیقه برای گروه آزمایش مادران اجرا شد. در ادامه در جدول ۲ برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق (پدور _ کارول و کاون، ۱۹۸۵) آمده است.

جدول ۲
خلاصه برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق

جلسه	محتوا
اول	معرفی کودک به گروه و ایجاد محیط امن و باثبات، توضیح هدف گروه
دوم	شناسایی احساسات همراه با ایجاد فرهنگ لغات احساسی برای معرفی مفاهیمی مثل همگانی‌بودن و پذیرفته‌بودن همه احساسات
سوم	صحبت کردن در مورد مفهوم خانواده و انواع آن
چهارم	به کار بردن کلمات و مفاهیم احساسی در مورد تجارب طلاق با هدف ارتقای بینش، بیان و پذیرش چنین احساساتی
پنجم	معرفی گام‌های حل مسئله و تمرکز بر ایجاد راه حل‌های متنوع یک مشکل
ششم	تأکید بر ایجاد راه حل‌های بیشتر، پیش‌بینی پیامدها و ارزیابی آن‌ها
هفتم	به‌کارگیری گام‌های حل مسئله مطرح‌شده در مورد موضوعات مرتبط با طلاق
هشتم	تمایز قابل شدن بین مشکلاتی که کودکان می‌توانند حل کنند و مشکلاتی که از کنترل آن‌ها خارج است، با هدف تشویق برای درگیر شدن در فعالیت‌های متناسب با سن و دوری از مشکلات غیر قابل حل
نهم	تقویت مهارت‌های حل مسئله آموزش‌داده‌شده برای مشکلات واقعی از طریق بازی و ایفای نقش
دهم	کاوش احساسات شخصی کودکان درباره طلاق و حواشی آن با تأکید بر احساسات نسبت به والدین
یازدهم	تمرکز بر مسئله رابطه والد- کودک و درک احساسات متقابل والدین از طریق بازی و ایفای نقش
دوازدهم	مرور و تثبیت مفاهیم اصلی برنامه و کاوش بیشتر در مسئله رابطه والد و کودک
سیزدهم	ارتقای برداشت‌های کودک از خود و دیگران از طریق پرسش و پاسخ و ایفای نقش
چهاردهم	تمرکز بر نقاط قوت و ویژگی‌های منحصر به فرد هر کودک به عنوان عضو گروه
پانزدهم	بررسی تجارب و احساسات کودک از بودن در گروه، معرفی کسانی که بعد از گروه به کودکان کمک می‌کنند و برگزاری جشن پایان

این مداخله در ۱۵ جلسه و ۴۵ دقیقه ای برای گروه آزمایش کودکان اجرا شد. نحوه اجرای پژوهش به این صورت بود که با توجه به معیارهای ورود به پژوهش و خروج از آن از جامعه مراجعه کننده به یکی از کلینیک‌های روان‌شناختی در شهر تهران، ۴۵ مادر مطلقه با کودک ۱ تا ۹ ساله به عنوان نمونه انتخاب و به تصادف در سه گروه (هر گروه ۱۵ نفر) گمارده شدند. پیش‌آزمون با استفاده از فهرست مدیریت هیجان قبل از شروع جلسه‌ها انجام شد. پس از مداخله از هر دو گروه پس‌آزمون با فهرست مدیریت هیجان به عمل آمد. این فهرست راوالدی تکمیل می‌کند، که در زمان اجرای مداخله سرپرستی کودک را بر عهده دارد. همچنین برای دنبال کردن نتایج، دو ماه بعد از آخرین جلسه آموزشی، فهرست مجدداً در مرحله پیگیری تکمیل شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های

جدول ۳

شاخص‌های توصیفی وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان در پژوهش

آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد و نیز روش‌های آمار استنباطی مانند تحلیل واریانس آمیخته و آزمون تعقیبی بن‌فرونی استفاده شد. ملاحظه‌های اخلاقی پژوهش عبارت بود از: اصل رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شد. در مورد اهداف، روش کار، مدت زمان و چگونگی انجام پژوهش توضیحات لازم به شرکت‌کنندگان داده و رضایت آنان جلب شد. اصل رازداری و رعایت حریم خصوصی رعایت شد و برای گروه گواه این امکان را شد که در صورت تمایل و رضایت، بعد از اتمام پژوهش، در سه جلسه رایگان آموزش والدگری شرکت کند.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش در مقیاس اسمی و رتبه‌ای در گروه‌های پژوهش آمده است.

متغیر فراوانی	گروه مداخله ویژه مادر		گروه مداخله ویژه کودک		گروه گواه	
	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی
دیپلم	۴	۲۶/۷	۴	۲۶/۷	۳	۲۰
تحصیلات کارشناسی	۶	۴۰	۷	۴۶/۷	۷	۴۶/۷
کارشناسی ارشد	۵	۳۳/۳	۴	۲۶/۷	۵	۳۳/۳
وضعیت اشتغال خانه‌دار	۵	۳۳/۳	۸	۵۳/۳	۶	۴۰
شاغل	۱۰	۶۶/۷	۷	۴۶/۷	۹	۶۰

در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی فراوانی و درصد فراوانی برای دو متغیر سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال برای گروه‌های پژوهش آمده است. همچنین نتایج آزمون مجذور کای نشان داد که بین گروه‌های پژوهش در سطح تحصیلات ($df=4$ ،

جدول ۴

شاخص‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی در مقیاس فاصله‌ای شرکت‌کنندگان در گروه‌های پژوهش

متغیر	گروه مداخله ویژه مادر		گروه مداخله ویژه کودک		گروه گواه	
	M	SD	M	SD	M	SD
سن مادر	۳۳/۸۰	۱/۵۷	۳۳/۹۳	۱/۴۴	۳۳/۶۰	۱/۱۸
سن فرزند	۱۰/۳۳	۱/۱۷	۱۰/۴۷	۱/۲۴	۱۰/۴۷	۱/۱۲
مدت طلاق (به ماه)	۷/۴۰	۲/۹۰	۶/۸۰	۳/۰۷	۷/۵۳	۲/۷۲

در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی فراوانی و درصد فراوانی برای دو متغیر سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال برای گروه‌های پژوهش آمده است. همچنین نتایج آزمون مجذور کای نشان داد که بین گروه‌های پژوهش در سطح تحصیلات ($df=4$ ، $\chi^2=0/42$ و $P=0/98$) و وضعیت اشتغال ناهمسانی معنادار وجود ندارد ($df=2$ ، $\chi^2=1/27$ و $P=0/53$). در ادامه در جدول ۴ شاخص‌های توصیفی برای متغیرهای جمعیت‌شناختی در مقیاس فاصله‌ای در گروه‌های پژوهش آمده است.

متغیرهای یادشده بین گروه‌های پژوهش وجود ندارد
($P=0/99$ و $F=0/16$, Wilks Lambda= $0/97$, $df=6$)
در ادامه در جدول ۵ شاخص‌های توصیفی دو عامل
مدیریت هیجان آمده است.

در جدول ۴ شاخص‌های توصیفی میانگین و
انحراف استاندارد سن مادر، سن فرزند و مدت زمان
طلاق به ماه به تفکیک گروه‌های بررسی شده
آمده است. نتایج نشان داد ناهمسانی معناداری از لحاظ

جدول ۵
شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مرحله آزمون	گروه مداخله ویژه مادر		گروه مداخله ویژه کودک		گروه گواه	
		M	SD	M	SD	M	SD
مدیریت هیجان نظم‌جویی هیجان انطباقی	پیش‌آزمون	۱۸/۱۳	۴/۵۰	۱۸/۸۷	۴/۵۵	۱۹/۴۰	۳/۷۷
	پس‌آزمون	۲۰/۹۳	۳/۱۷	۱۹/۶۰	۳/۶۸	۱۹/۲۰	۳/۵۷
	پیگیری	۲۱/۰۰	۳/۲۸	۱۹/۹۳	۳/۹۰	۱۹/۰۰	۳/۵۰
بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی	پیش‌آزمون	۳۷/۱۳	۶/۲۷	۳۲/۷۳	۷/۸۳	۳۸/۷۳	۷/۶۴
	پس‌آزمون	۳۰/۷۳	۵/۸۴	۳۰/۶۷	۶/۴۸	۳۶/۷۳	۶/۶۹
	پیگیری	۳۱/۲۷	۵/۶۲	۳۱/۳۳	۶/۴۹	۳۶/۶۷	۶/۶۳

بودن توزیع متغیر با استفاده از آزمون کلموگروف -
اسمیرنوف و همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون
لوین بررسی شد. که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

در جدول ۵ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای
پژوهش به تفکیک گروه‌های پژوهش در مراحل
پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری آمده است. نرمال

جدول ۶
نتایج بررسی نرمال بودن و همگنی واریانس‌ها

متغیر	مرحله	نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف			نتایج آزمون لوین		
		گروه مداخله ویژه مادر	گروه مداخله ویژه کودک	گروه گواه	مقدار آزمون	مقدار آزمون	آماره لوین
		Z	P	P	P	df ₂	df ₁
مدیریت هیجان نظم‌جویی هیجان انطباقی	پیش‌آزمون	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۱۲	۰/۱۶	۴۲	۲
	پس‌آزمون	۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۱۲	۰/۱۲	۴۲	۲
	پیگیری	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۰۷	۰/۱۵	۴۲	۲
بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی	پیش‌آزمون	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۱۵	۴۲	۲
	پس‌آزمون	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۱۵	۴۲	۲
	پیگیری	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۷	۰/۱۶	۴۲	۲

نتایج جدول ۶ برای آزمون کلموگرف - اسمیرنوف حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرها ($p > 0.05$) و نتایج آزمون لوین حاکی از همگنی واریانس‌ها در گروه‌های پژوهش است ($p > 0.05$). برای بررسی سوال پژوهش مبنی بر اینکه آیا بین اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان

طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر نظم‌جویی هیجان کودکان طلاق تفاوت وجود دارد؟ از آزمون تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. در جدول ۷ نتایج آزمون ام‌باکس و آزمون کرویت موچلی به عنوان دو پیش فرض تحلیل واریانس آمیخته آمده است.

جدول ۷
نتایج آزمون ام‌باکس و آزمون کرویت موچلی

آزمون کرویت موچلی				آزمون ام‌باکس				متغیر	
P	df	χ^2	مقدار آزمون	P	df ₂	df ₁	F	M Box	
0.001	2	46.16	0.32	0.10	8548/61	12	1/77	18/39	نظم‌جویی هیجان انطباقی
0.001	2	56.23	0.25	0.07	8548/53	12	2/03	20/39	بی‌ثباتی/منفی‌گرایی

بر اساس جدول ۷ نتایج آزمون ام‌باکس معنادار نیست و در نتیجه فرض همگنی کوواریانس‌ها رعایت شده است. همچنین سطح معناداری آزمون کرویت موچلی برای نظم‌جویی هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی در سطح معنادار $p = 0.001$ قرار دارد و بنابراین پیش فرض این آزمون رعایت نشده و از

تصحیح گرین‌هاوس - گیسر^۱ برای نتایج استفاده شد. این اصلاح برای تغییر درجه آزادی ایجاد شده تا نسبت F با کاهش میزان خطای نوع اول تعدیل شود. در جدول ۸ نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای بررسی اثر گروه (عضویت گروهی) و اثر تعاملی گروه و مراحل آمده است.

جدول ۸
نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر مدیریت هیجان کودکان طلاق

متغیر	منبع تغییرات	SS	df	MS	F	P	η^2	Observed Power
نظم‌جویی هیجان انطباقی	مراحل آزمون	39/39	1/19	33/00	10/96	0.001	0.21	0.93
	گروه	15/84	2	7/92	0.20	0.82	0.01	0.08
	تعامل مراحل و گروه	51/05	2/39	21/39	7/10	0.001	0.25	0.95
بی‌ثباتی/منفی‌گرایی	مراحل آزمون	329/92	1/14	288/05	30/73	0.001	0.42	1
	گروه	818/53	2	409/27	3/36	0.05	0.14	0.60
	تعامل مراحل و گروه	123/16	2/29	53/76	5/73	0.004	0.21	0.88

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که اثر مراحل آزمون ($F=10/96$ و $P=0/001$) و تعامل مراحل و گروه ($F=7/10$ و $P=0/001$) برای نظم‌جویی هیجان انطباقی و نیز اثر گروه ($F=3/36$ و $P=0/05$) و مراحل آزمون ($F=30/73$ و $P=0/001$) و اثر تعامل مراحل و گروه ($F=5/73$ و $P=0/004$) برای بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی

معنادار است. برای پی بردن به محل تفاوت‌های از مقایسه زوجی بن‌فرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۹ آمده است. با توجه به اینکه تفاوت بین گروهی برای نظم‌جویی هیجان انطباقی معنادار نبود ($F=0/20$ و $P=0/82$)، مقایسه‌های دوتایی بین گروه‌ها برای این متغیر صورت نگرفت.

جدول ۹

مقایسه زوجی تفاوت‌های بین گروهی و مراحل آزمون بر اساس میانگین‌های تعدیل‌شده نظم‌جویی هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی

متغیر	منبع تغییرات	گروه مبنا	گروه ثانویه	تفاوت میانگین	SE	P
نظم‌جویی هیجان انطباقی	مرحله آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۱/۱۱	۰/۳۲	۰/۰۰۴
		پیش‌آزمون	پیگیری	-۱/۱۸	۰/۳۵	۰/۰۰۵
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۰۷	۰/۱۲	۱
بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی	گروه	ویژه مادر	ویژه کودک	۱/۴۷	۲/۳۲	۱
		گروه	گواه	-۴/۳۳	۲/۳۲	۰/۲۱
		گروه	گواه	-۵/۸۰	۲/۳۳	۰/۰۵
		پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۳/۴۹	۰/۵۸	۰/۰۰۱
		پیش‌آزمون	پیگیری	۳/۱۱	۰/۵۹	۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۳۸	۰/۱۸	۰/۱۳

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد نظم‌جویی هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی در مرحله پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون تغییرات معنادار نشان دهد ($P<0/05$) و بین پس‌آزمون و پیگیری در دو متغیر تفاوت معنادار وجود ندارد ($P>0/05$) که

حاکمی از پایداری نتایج است. همچنین نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد در متغیر بی‌ثباتی/منفی‌گرایی گروه مداخله ویژه کودک در مقایسه با گروه گواه تفاوت معنادار وجود دارد ($P<0/05$). در جدول ۸ میانگین‌های تعدیل‌شده در تحلیل بن‌فرونی آمده است.

جدول ۱۰

میانگین‌های تعدیل‌شده نظم‌جویی هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی

متغیر	متغیر	گروه ثانویه	M	SD
نظم‌جویی هیجان انطباقی	آزمون	پیش‌آزمون	۱۸/۸۰	۰/۶۴
		پس‌آزمون	۱۹/۹۱	۰/۵۲
		پیگیری	۱۹/۹۸	۰/۵۱
بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی	گروه	مداخله ویژه مادر	۳۳/۰۴	۱/۶۴
		گروه	۳۱/۵۹	۱/۶۴
		گواه	۳۷/۳۸	۱/۶۵
		پیش‌آزمون	۳۶/۲۰	۱/۰۹
		پس‌آزمون	۳۲/۷۱	۰/۹۵
		پیگیری	۳۳/۰۹	۰/۹۳

با توجه به اینکه تفاوت بین گروهی برای نظم‌جویی هیجان انطباقی معنادار نبود، میانگین تعدیل‌شده آن در جدول ۱۰ گزارش نشده است.

بحث

نتایج این پژوهش نشان داد نظم‌جویی هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی در مرحله پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون تغییرات معنادار نشان می‌دهد و بین پس‌آزمون و پیگیری در دو متغیر تفاوت معنادار وجود ندارد، که حاکی از پایداری نتایج است. همچنین نتایج نشان داد که در متغیر بی‌ثباتی/منفی‌گرایی گروه مداخله ویژه کودک در مقایسه با گروه گواه تفاوت معناداری وجود دارد، در حالی که چنین نتایجی برای گروه مداخله ویژه مادر مشاهده نشد. به عبارتی به نظر می‌رسد برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق نتایج اثربخش معنادار را نشان می‌دهد، در حالی برنامه مداخله رفتار مادر با کودک طلاق نتایج اثربخشی را نشان نمی‌دهد. نتایج اثربخشی برنامه مداخله کودکان طلاق تاحدودی هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های حسینی یزدی و دیگران (۲۰۱۵)، سنکو (۲۰۱۶)، عبدی و دیگران (۲۰۱۳) و ولدرمن و دیگران (۲۰۱۸) است. با توجه به اینکه برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر غلامی و دیگران (۲۰۱۹) که در این پژوهش استفاده شده و اثربخشی آن در پژوهش‌های دیگر بررسی نشده، نمی‌توان نتایج همسو یا متعارض را گزارش کرد. با این حال ارائه‌دهندگان این مداخله، اگرچه نشان داده‌اند که این مداخله به بهبود معنادار سلامت روانی کودک منجر می‌شود، به طور خاص اثربخشی آن را بر مدیریت هیجان یا متغیر مشابه نشان نداده‌اند. با وجود این برخی از نتایج پژوهش‌ها مبنی بر اثربخشی بیشتر مداخله‌ها با حضور کودکان و نه صرفاً والدین و همچنین وجود نتایج اثربخشی مداخله‌های کودک‌محور در جمعیت‌هایی از کودکان با تجارب ناخوشایندی مانند تروما و طلاق (پارکر و دیگران، ۲۰۲۰؛ شوشتری و

دیگران، ۲۰۱۴) تاحدودی تبیین‌کننده اثربخشی معنادار برنامه مداخله کودکان طلاق بر مدیریت هیجان هم هست.

در مورد اثربخشی برنامه مداخله کودکان طلاق بر بی‌ثباتی/منفی‌گرایی مرتبط با مدیریت هیجان، می‌توان به تأکید ویژه این مداخله بر بهبود هیجانی کودکان طلاق پرداخت. در همین راستا در جلسات اولیه این مداخله سعی شد زمینه ابراز و پذیرش احساس‌های مرتبط با طلاق در این کودکان فراهم و با ایجاد محیط همراه با پذیرش، و در اختیار گذاشتن واژگان لازم برای ابراز هیجان‌های مرتبط با طلاق والدین به کودکان کمک شود. با ابراز هیجانی که در گروه صورت گرفت به‌مرور این فرصت فراهم شد که کودکان با روش‌های صحیح برخورد با هیجان‌های مرتبط با طلاق آشنا شوند. برای مثال این دیدگاه گسترش داده شد که احساس‌هایی از این قبیل جزء تجارب مشترک انسانی است و برای هر کسی ممکن است در زندگی پیش بیاید، بنابراین لازم نیست به صورت فاجعه‌آمیز به آنها نگاه شود. به‌عبارتی از جمله راهبردهای منفی مدیریت هیجان که باعث دشواری و بدتنظیمی در مدیریت هیجان می‌شود، در نظر گرفتن هیجان‌های منفی به عنوان موردی است که فقط برای فرد پیش‌آمده و دیگران چنین هیجان‌هایی را تجربه نمی‌کنند (کافمن، و دیگران، ۲۰۱۶). علاوه بر این نشان داده شده که وضوح هیجانی و افزایش آگاهی هیجانی به بهبود نظم‌جویی و مدیریت هیجان به صورت انطباقی منجر می‌شود (هالیون و دیگران، ۲۰۱۸). در برنامه مداخله کودکان طلاق در قالب کارگروهی سعی شد با افزایش زمینه ابراز و پذیرش هیجان‌های مرتبط با طلاق در کودکان، بر آگاهی و وضوح هیجانی کودکان افزوده شود. همچنین سعی شد آموزش‌هایی در مورد مهارت‌های حل مسئله و راهبردهایی برای حل مسئله پیش‌به‌روی کودکان طلاق داده شود. آموزش این مهارت‌ها تاحدودی گره‌ها و انسدادهای هیجانی را باز می‌کند که به

منابع

- Abalos, J. B. (2017). Divorce and separation in the Philippines: Trends and correlates. *Demographic Research*, 36, 1515-1548.
- Abdi, M. R., Porebrahim, T., & Nazari, A. M. (2013). Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program on Children's Adjustment with their Parental Divorce. *Journal of Family Research*, 9(35), 343-58. [In Persian].
- Baxter, J., Weston, R., & Qu, L. (2011). Family structure, co-parental relationship quality, post-separation paternal involvement and children's emotional well-being. *Journal of Family Studies*, 17(2), 86-109.
- Gholami, A., Rashid, K., & Yarmohammadi, M. (2019). Formulation of training protocol for treating with children of divorce for mothers and its effect on the mothers' behavior. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 20(3), 44-54.
- Hallion, L. S., Steinman, S. A., Tolin, D. F., & Diefenbach, G. J. (2018). Psychometric properties of the Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS) and its short forms in adults with emotional disorders. *Frontiers in Psychology*, 9, 539-551.
- Hashemi, L., & Homayuni, H. (2017). Emotional divorce: Child's well-being. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(8), 631-644.
- Hoseini Yazdi, S. A. H., Mashhadi, A., Kimiaee, S. A., & Asemi, Z. (2015). Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on externalized and internalized problems in children of divorce. *Family Psychology*, 2(1), 3-14.
- Johnsen, I. O., Litland, A. S., & Hallström, I. K. (2018). Living in two worlds—children's experiences after their parents' divorce: A qualitative study. *Journal of Pediatric Nursing*, 43, 44-51.
- Kaufman, E. A., Xia, M., Fosco, G., Yaptangco, M., Skidmore, C. R., & Crowell, S. E. (2016). The Difficulties in Emotion Regulation Scale Short Form (DERS-SF): Validation and replication in adolescent and adult samples. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 38(3), 443-455.
- Llego, J. (2017). Demographic influence on emotional intelligence of science technology and engineering

صورت حل نشده باقی مانده و مدیریت هیجان را دشوار کرده است. به نظر می‌رسد نداشتن راهبرد برای حل مسائل و کنار آمدن با تجارب هیجانی از موانع اساسی در نظم‌جویی هیجانی است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت افزایش آگاهی و وضوح هیجانی در کودکان، ارتقای مهارت‌های انطباقی مدیریت هیجانی مانند افزایش پذیرش هیجانی و کاهش منفی‌گرایی در مورد تجربه هیجانی با تأکید بر همگانی بودن تجارب هیجانی و همچنین آموزش مهارت‌های حل مسئله از زمینه‌های اثربخشی برنامه مداخله کودکان طلاق در این پژوهش بوده است. در مجموع به نظر می‌رسد مدیریت هیجان از جمله ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی است که از کودکان در قبال رویدادهای تنیدگی‌آفرین و مخربی مانند طلاق محافظت می‌کند. در همین راستا پژوهش نشان داد که برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر بهبود مدیریت هیجان (کاهش منفی‌گرایی/بی‌ثباتی) اثربخش است، در حالی بود که اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر نشان داده نشد. این یافته تاحدودی نشان می‌دهد که حضور کودک در مداخله تفاوت معنادار در اثربخشی مداخله برای بهبود مدیریت هیجان ایجاد می‌کند. بنابراین متخصصان این حوزه با مشارکت کودکان طلاق برای بهبود مدیریت هیجان آنان، مداخله‌ای کارآمدتر خواهند داشت. البته باید توجه کرد که نتایج این پژوهش محدود به کودکان طلاق است و برای جمعیت‌های دیگر کودکان قابل تعمیم نیست. همچنین این پژوهش با این محدودیت نیز روبه‌رو بوده که نمونه‌برداری آن به صورت دردسترس بوده و نمونه‌برداری تصادفی، با توجه به شیوع کووید-۱۹ و دسترسی یکسان به جامعه مورد پژوهش، مقدور نبوده است. همچنین باید توجه کرد که نمونه مورد پژوهش صرفاً مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بودند و بنابراین نمی‌توان آن‌ها را با قطعیت جمعیت بالینی تصور کرد؛ به همین دلیل پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی اثربخشی این مداخله‌ها در جمعیت‌های بالینی نیز بررسی شود.

chology, 53(5), 603-611.

- Phares, V. (2020). Using Memoirs and Autobiographies to Enhance the Teaching of Abnormal Child Psychology. *Psychology Learning & Teaching*, 19(3), 239-257.
- Queen, J. P., Quinn, G. P., & Keough, M. J. (2002). *Experimental design and data analysis for biologists*. Cambridge university press.
- Shanholtz, C. E., Messer, D., Davidson, R. D., Randall, A. K., & Horan, J. J. (2017). A randomized clinical trial of online stress inoculation for adult children of divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(8), 599-613.
- Sadri Damirchi, E., Mansoori, B., & Khodayi Khyavi, S. (2018). Comparison of a coherence self-knowledge and alexithymia in normal and divorce male students. *Journal of Psychological Studies*, 13(4), 77-92.
- Senko, L. (2016). *What do the children have to say? children's perceptions of the children of divorce intervention program* (Doctoral dissertation, Rutgers University-Graduate School of Education).
- Shafietabar, M., Akbari Chermahini, S., & Molaei Yasavoli, M. (2020). Factorial structure and psychometric properties of the emotion regulation checklist-parent form. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 7(3), 80-95.
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1998). Reactive aggression among maltreated children: The contributions of attention and emotion dysregulation. *Journal of Clinical Child Psychology*, 27(4), 381-395.
- Shimkowski, J. (2015). *Young adult children's communicative management of emotions about divorce and divorce disclosures: Creating and applying a new measure*. Doctor of Philosophy, A Dissertation Presented to The Faculty of Social Science University of Denver.
- Shimkowski, J. R., & Ledbetter, A. M. (2018). Parental divorce disclosures, young adults' emotion regulation strategies, and feeling caught. *Journal of Family Communication*, 18(3), 185-201.
- Shoostari, M., Abedi, A., Khaledian, M., & Karami Baghteyfuni, Z. (2014). Comparison the efficiency teachers in region 1 Philippines. *Imperial Journal of Interdisciplinary Research (IJIR)*, 3(3), 1075-1083.
- McIntosh, J. E., & Tan, E. S. (2017). Young children in divorce and separation: Pilot study of a mediation-based co-parenting intervention. *Family Court Review*, 55(3), 329-344.
- Mekonnen, Y., Kassa, K., & Ayalew, M. (2019). Prevalence, causes and consequences of divorce in Bahir Dar city, Ethiopia. *African Journal of Social Work*, 9(1), 24-36.
- Moore, E. (2017). *Divorce, families and emotion work: 'Only death will make us part'*. New York: Palgrave Macmillan Secaucus: Springer [distributor] Feb.
- Motataianu, I. R. (2015). The relation between anger and emotional synchronization in children from divorced families. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, 158-162.
- Nunes-Costa, R. A., Lamela, D. J., & Figueiredo, B. F. (2009). Psychosocial adjustment and physical health in children of divorce. *Journal De Pediatria*, 85(5), 385-396.
- Odey, G. A., & Ubi, G. M. (2020). Analysis of divorce among women and its' effect on children academic achievement in Calabar South Local Government Area of Cross River State. *International Journal of Innovative Psychology & Social Development*, 8(4), 39-43.
- Olson, R. E., McKenzie, J., Mills, K. A., Patulny, R., Bellocchi, A., & Caristo, F. (2019). Gendered emotion management and teacher outcomes in secondary school teaching: A review. *Teaching and Teacher Education*, 80, 128-144.
- Parker, M. M., Hergenrather, K., Smelser, Q., & Kelly, C. T. (2020). Exploring child-centered play therapy and trauma: A systematic review of literature. *International Journal of Play Therapy*, 30(1), 2-13.
- Pedro-Carroll, J. (2008). *Handbook of evidence-based treatment manuals for children and adolescents*. UK: Oxford University Press.
- Pedro-Carroll, J. L., & Cowen, E. L. (1985). The children of divorce intervention program: An investigation of the efficacy of a school-based prevention program. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 53(5), 603-611.

- Velderman M. K., Pannebakker, F. D., van Vliet, W., & Reijneveld, S. A. (2018). Prevention of divorce-related problems in Dutch 4-to 8-year-olds: Cultural adaptation and pilot study of the children of divorce intervention program. *Research on Social Work Practice, 28*(4), 415-427.
- Yahyazadeh, H., & Hamed, M. (2016). Issues and interventions of children of divorce in Iran: A meta-analysis of articles. *Woman and Family Studies, 3*(2), 91-120.
- Zamani-Zarchi, M. S., Gholamali Lavasani, M., Ejei, J., Hosseinzadeh Oskouei, A., & Samadi Kashan, S. (2018). A phenomenological study of emotional and subjective experiences of children of divorce. *JRPH, 12*(1), 24-36.
- Zemp, M., Johnson, M. D., & Bodenmann, G. (2018). Within-family processes: Interparental and coparenting conflict and child adjustment. *Journal of Family Psychology, 32*(3), 1-35.
- of educational-psychological interventions (parent based, child based and combination) on reduction of Attention Deficit –Hyperactivity signs. *Journal of Research in Behavioral Science, 12*(3), 380-390.
- Sorek, Y. (2019). Children of divorce evaluate their quality of life: The moderating effect of psychological processes. *Children and Youth Services Review, 107*, 104533.
- Tahirović, S., & Demir, G. (2017). Influence of Parental Divorce on Anxiety Level of Adolescents. In (Ed.), *Contemporary Perspective on Child Psychology and Education*. Intech Open.
- Tice, D. M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R. F. (2018). *Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it! In self-regulation and self-control* (pp. 275-306). London: Routledge.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی